

شنبه ۴ مهر ۱۴۰۵ - ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ - ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۶ - شماره ۳۱۲۱- پیاپی ۴۴۵۹

منعت معدن تجارت
منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه منعت معدن تجارت www.smtnews.ir/about.html
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «منعت»
مدیرمسئول: عاطفه خسروی
سازمان آگهی‌ها: ۰۸۸۱۰۵۲۸۸ - ۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶ ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com
تلفن: ۸۲۱۹۰ (داخلی-۱۰۸)
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸
تهران، خیابان قائم مقام فرهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کدپستی ۱۵۸۶۷۲۳۸۱۱
روابط عمومی: pr@smtnews.ir
چاپخانه: صمیم
www.smtnews.ir telegram.me/smtnews tozi.smtnews@gmail.com
info@smtnews.ir instagram.com/smtnewspaper http://eitaa.com/smtnews https://ble.ir/smtnews
عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی عضو انجمن مدیران رسانه عضو تعاونی مطبوعات

نگارگاه



مهدی اقراریان- رئیس کمیته حقوقی شورای اسلامی شهر تهران- پرونده ایمنی بازار تهران از سال‌های گذشته مفتوح است و همچنان ادامه دارد. در این موضوع سه ضلع اصلی شامل مالکان و ذی‌نفعان بازار، شهرداری تهران به عنوان ناظر و دستگاه قضایی وجود دارد، اما ملاحظات اقتصادی، اجتماعی، اشتغال، میراث فرهنگی، وقف و تضاد منافع موجب شده است این مسئله تاکنون به شکل اساسی حل نشود.

برای بررسی منطقی موضوع ابتدا باید ابعاد این مسئله روشن شود. یک ضلع این مسئله مالکان مغازه‌ها، حجره‌ها و غرفه‌های بازار هستند. قانونگذار در اینجا تأمین امنیت را بر عهده مالک گذاشته و مالک موظف است امنیت لازم را تأمین کند. در این مورد نظارت بر عهده شهرداری‌هاست؛ یعنی شهرداری و مجموعه سازمان آتش‌نشانی باید موضوع نظارت را دنبال کنند. این نظارت نیز از طریق اخطارهایی که به ساختمان‌ها و املاک نایمن داده می‌شود، دنبال می‌شود.

در بازار تهران با دو مسئله مواجه هستیم. یک نگاه خرد به مغازه‌ها و ایمنی هر مغازه و یک نگاه کلان به مجموعه بازار وجود دارد؛ یعنی باید کل بسته بازار را به عنوان یک مجموعه دید. در همین دوره شاهد آتش‌سوزی در یکی از سراهای بازار بودیم، ما در همان زمان از محل بازدید کردیم و بعد از آن نیز معاون اول رئیس‌جمهور وقت، آقای مخبر، در آنجا حضور پیدا کرد؛ در بخشی که مربوط به تولید کفش بود.

آن چیزی که به ما مربوط می‌شود این است که در کمیسیون حقوقی و نظارت شورای شهر، این مسئله دنبال شده و در نهایت موضوع به دستگاه قضایی می‌رود.

بحث جابه‌جایی بازار نیز مطرح است. در یک دوره شاهد بودیم که سبزه‌میدان جابه‌جا شد و کار بسیار سختی بود. شکل‌گیری مجموعه عرضه میوه و تره‌بار و خروج آن از تهران و انتقال به حاشیه اتوبان آزادگان که اکنون شهید صلابی نام دارد، کار راحتی نبود و در دوره آقای کرباسچی این اتفاق افتاد. نه زور شهرداری تهران و نه سایر بازیگران این عرصه در مقابل مقاومتی که وجود دارد، موفق نشده‌اند یک طرح قابل قبول را محقق کنند و این، صادقانه واقعیت مسئله است. امروز ما با یک چالش جدی مواجه هستیم؛ تضاد بین منافع عمومی

عکس روز



بازی‌های آسیایی «ناگویا ۲۰۲۶» - ووشو

طرح: حسین علیزاده

تضاد منافع مانع حل مسئله شده است

و منافع خصوصی. البته منافع خصوصی در اینجا متعلق به جمع کثیری است؛ یعنی درباره چند هزار کسب‌وکار صحبت می‌کنیم و درباره هویت بازار نیز بحث داریم. رئیس کمیته حقوقی شورای شهر تهران افزود: یک متغیر جدید نیز به این بحث اضافه می‌شود؛ هرچند این متغیر جدید است اما سابقه دیرینه دارد و آن موضوع میراث فرهنگی است. متغیر دیگری نیز وجود دارد و آن هم مسئله وقف است.

منطقه ۱۲ یکی از مناطق ماست که بیشترین میزان آنچه به آن حصار ناصری گفته می‌شود در آن قرار دارد. تهران محدوده معروف به حصار ناصری، بافت قدیمی تهران است و بخش زیادی از این بافت قدیمی در منطقه ۱۲ و در بازار قرار دارد.

حال چگونه می‌توان هویت بازار را حفظ کرد؟ چه تجربه موفقی در الگوهای بهسازی و شهرسازی در سایر شهرها وجود دارد؟ یکی از ایده‌هایی که وجود دارد این است که محدوده و منطقه بازار، یعنی بافت سنتی بازار، تبدیل به یک مرکز جاذبه گردشگری در حوزه صنایع دستی و میراث فرهنگی شود.

اما بازیگر این عرصه چه کسی است؟ بازیگر این عرصه وزارت میراث فرهنگی است. باید آنها ببینند و این کار را انجام دهند. تا به امروز میراث فرهنگی نتوانسته نقش خودش را ایفا کند؛ حالا اینکه نخواسته یا نگذاشته‌اند، در حال حاضر جای بحث نیست، اما به هر حال تا به امروز محقق نشده و به هر دلیلی که باشد، به نظرم خودشان باید توضیح دهند.

نکته دیگر محل انتقال کسب‌وکارهای بازار است. شما می‌خواهید چند هزار کسب‌وکار را از اینجا برید؛ کجا می‌خواهند بروند؟ این هم مسئله‌ای است. فکر می‌کنم این مسئله بیش از اینکه چالش حقوقی و بحث‌های اجرایی داشته باشد، چالش تفاهم اضلاع مختلف است.

نیازمند شکل‌گیری یک نهاد یا مجموعه‌ای هستیم تا اینها ببینند و با یکدیگر بنشینند و در یک زمان‌بندی مصوب، به صورت پلکانی، بخش‌هایی که ضرورت دارد از بازار خارج شود، خارج شود؛ البته با رعایت منافع افرادی که در آنجا هستند. این هم تا به امروز محقق نشده است.

چرا این اتفاق نیفتاده است؟ چون از نگاه من منفعت شهرداری تهران

رواج اجاره دلاری خانه

املاک تهران خرداد سال گذشته درباره آگهی‌های خرید، فروش و اجاره مسکن با دلار و سایر ارزها هشدار داده و گفته بود که چنین قراردادهایی قابلیت رسیدگی در مراجع قضایی را ندارند. همچنین طبق ماده دو مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، انجام معامله ارزی در کشور، جز در مواردی که حداقل یکی از طرفین صرافی مجاز، بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری دارای مجوز باشد، می‌تواند مشمول عنوان قاچاق ارز شود. از سوی دیگر، قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره‌بها مقرر کرده است که در قراردادهای اجاره، مدت، مبلغ اجاره و مبلغ قرض‌الحسنه تصریح و قرارداد در سامانه‌های مربوط ثبت شود. بنابراین توافق خارج از قرارداد رسمی، ریسک حقوقی بیشتری برای هر دو طرف ایجاد می‌کند.

روایت مشاوران املاک از اجاره دلاری خانه
بررسی‌های میدانی تجارت‌نیوز و گفت‌وگو با چند مشاور املاک در مناطق شمالی تهران، از رواج دریافت اجاره به دلار، یورو و حتی رمزراز میان برخی مالکان حکایت دارد.

یکی از مشاوران املاک منطقه نیاوران به تجارت‌نیوز می‌گوید: «برخی مالکان از مستاجر درخواست پرداخت اجاره به صورت دلاری می‌کنند. مبلغ آن بسته به امکانات و شرایط واحد متفاوت است، اما حتی همکاران ما در محله‌های مختلف هم از این موضوع خبر می‌دهند. این توافقی میان مالک و مستاجر است. بسیاری از دفاتر حاضر به انجام چنین قراردادی نیستند چون آن را غیرقانونی می‌دانند، اما در برخی بنگاه‌ها قرارداد نوشته می‌شود.»

او درباره نحوه تنظیم این قراردادها توضیح می‌دهد: «گاهی در اجاره‌نامه مبلغ به صورت ریالی تعیین می‌شود و مستاجر هر ماه اجاره را به دلار پرداخت می‌کند. این روش هم اشکالات حقوقی خودش را دارد، چون اگر میان مالک و مستاجر اختلافی ایجاد شود، اثبات چگونگی پرداخت اجاره می‌تواند با مشکل مواجه شود.» یکی از مشاوران املاک منطقه گاندی نیز به تجارت‌نیوز

و منفعت منطقه ۱۲، طبیعتاً در حوزه درآمدی، در حفظ وضعیت موجود است؛ بر اساس یک نگاه سنتی که وجود دارد. در حالی که باور من این است که اگر این تغییر کاربری و بازطراحی اتفاق بیفتد، ضمن حفظ حقوق شهروندان، حفظ حقوق مالکین و رعایت ضوابط میراث فرهنگی، امکان افزایش درآمد برای شهرداری تهران نیز وجود دارد.

به صورت سنتی در منطقه ۱۲ بخشی از درآمدتان از محل بازار است؛ یعنی عوارضی که مربوط به این املاک است، درآمدی برای منطقه دارد. هرگونه تغییر و تحول، درآمد را دچار چالش می‌کند و تا به امروز این اراده وجود نداشته است.

عضو شورای شهر تهران گفت: می‌خواهم بگویم اراده در مالکین نیست، چون منفعتشان در وضعیت موجود است؛ اراده در شهرداری هم نیست، چون بخشی از درآمدهایش وجود دارد. شهرداری چند بار تلاش کرده، اما مقاومت از سوی مالکیت و کسبه وجود داشته است.

باور من این است که اگر بگوییم چند کلان‌مسئله در شهر تهران وجود دارد که به عنوان یک پرونده باز و پلاکتیف، حداقل تا الان باقی مانده، حتماً یکی از آنها مسئله بازار تهران است.

هرچقدر تلاش کنیم، باز هم از آن عقب‌افتادگی فاصله جدی داریم. در این دوره تلاش‌های گوناگونی صورت گرفته و اقدامات مختلفی انجام شده است. به نظر من کمیته ایمنی شورا نیز باید درباره آن صحبت کند، چون به هر حال حوزه تخصصی آنهاست. هنوز ما تا نقطه قابل قبول، حتی نمی‌گوییم نقطه ایده‌آل، فاصله جدی داریم.

تهران پایتختی است که توسعه آن متوازن و متناسب با پایتخت بودن صورت نگرفته است. من معتقدم جای بازار تهران امروز در این نقطه که هست، نباید باشد و باید برای این موضوع فکر می‌شد. شهر توسعه پیدا کرده و ما در مرکز شهر آمده‌ایم و یک تقاضای سفر ایجاد کرده‌ایم و یکی از آلوده‌ترین مناطق ما همین‌جا در حوزه مرکز شهر است.

فکر می‌کنم به دلیل اینکه در شهرداری و در میان خود مغازه‌ها و کسبه، هیچ کدام شاید به دنبال این نبوند که این چالش به صورت اساسی و مبنایی حل شود، تا به امروز اتفاقی نیفتاده است.

شاید بتوان به صراحت گفت؛ تضاد منافع باعث شده که کماکان پرونده بازار بزرگ تهران باز باقی مانده است.

ایمنی روی کاغذ زیر سایه فساد



شیدا آریایی بور

پژوهشگر حقوقی

ایمنی را نباید فقط با آتش‌نشانی، کلاه ایمنی، کپسول آتش‌نشانی یا مانورهای چند دقیقه‌ای شناخت. ایمنی خیلی بزرگ‌تر از این حرف‌هاست. وقتی درباره ایمنی حرف می‌زنیم، در واقع درباره حق مردم برای سالم زندگی کردن حرف می‌زنیم؛ درباره حقی که باید در خانه، مدرسه، خیابان، محل کار، ساختمان عمومی، بیمارستان و حتی در مسیر رفت‌وآمد به رسمیت شناخته شود.

امروز روز ایمنی و آتش‌نشانی است. معمولاً در چنین روزی چند جمله تکراری گفته می‌شود؛ از فداکاری آتش‌نشان‌ها، اهمیت آموزش، رعایت مقررات و ضرورت داشتن تجهیزات. همه اینها درست است، اما مسئله اصلی جایی دیگر است. سؤال سخت این است که چرا باید حادثه اتفاق بیفتد تا تازه درباره ایمنی حرف بزنیم؟

ایمنی در بسیاری از موارد، موضوعی نیست که مردم بتوانند انتخاب کنند. یک شهروند وقتی وارد یک ساختمان می‌شود، نمی‌داند سیم‌کشی آن استاندارد است یا نه. نمی‌داند راه خروج اضطراری دارد یا نه. نمی‌داند مصالح ساختمانی درست استفاده شده‌اند یا خیر. نمی‌داند مجوزها چگونه صادر شده‌اند و چه کسی ساختمان را تأیید کرده است. او اعتماد می‌کند. و همین اعتماد اگر با نظارت واقعی همراه نباشد، می‌تواند جان انسان را به خطر بیندازد.

اینجا موضوع از یک مسئله فنی وارد حوزه حقوق می‌شود. حق حیات فقط این نیست که کسی عمداً جان دیگری را نگیرد. دولت، شهرداری، دستگاه‌های نظارتی و حتی بخش خصوصی، هر کدام در حدود وظایف قانونی خود مسئولیت‌هایی دارند که نتیجه آن باید کاهش خطر برای مردم باشد. مقررات ایمنی وقتی ارزش دارند که اجرا شوند. قانون روی کاغذ، جان کسی را نجات نمی‌دهد. مشکل ما کمبود قانون نیست. در بسیاری از حوزه‌ها قانون و مقررات داریم. مشکل این است که گاهی قانون تبدیل می‌شود به مجموعه‌ای از امضاها، فرم‌ها، مجوزها و گزارش‌ها؛ بدون اینکه معلوم باشد در پایان چه کسی واقعاً مسئول نتیجه است. این همان جایی است که فساد می‌تواند وارد ماجرا شود.

فساد همیشه رشوه‌ای نیست که کسی در پاکت بگذارد و تحویل دیگری بدهد. گاهی فساد شکل پیچیده‌تر و عادی‌تری دارد؛ چشم‌پوشی از تخلف، رابطه، امضای بدون بررسی، گزارش صوری، بازرسی تشریفاتی، صدور مجوز برای ساختمانی که شرایط لازم را ندارد یا سکونت در برابر خطری که همه از آن خبر دارند. شاید هیچ‌کدام از اینها در نگاه اول شبیه یک حادثه نباشد، اما وقتی حادثه اتفاق می‌افتد، می‌توان فهمید که مجموعه‌ای از بی‌توجهی‌ها و تصمیم‌های غلط قبل از آن وجود داشته است.

بدتر از همه این است که گاهی بعد از حادثه، همه دنبال مقصر می‌گردند، اما کمتر کسی سراغ ساختاری می‌رود که اجازه داده خطر تا این اندازه جمع شود.

در چنین شرایطی مطالبه‌گری اجتماعی اهمیت پیدا می‌کند. مطالبه‌گری یعنی مردم فقط منتظر نباشند کسی از طرف آنها درباره ایمنی تصمیم بگیرد. شهروند باید بتواند سؤال کند. چرا این ساختمان پایان کار گرفته؟ چرا فلان مرکز عمومی سیستم اعلام حریق ندارد؟ چرا مدرسه‌ای که هزاران دانش‌آموز در آن هستند ایمن نیست؟ چرا یک کارگاه با وجود تخلف همچنان فعالیت می‌کند؟ چرا گزارش بازرسی منتشر نمی‌شود؟ چرا بعد از یک حادثه، نتیجه بررسی‌ها برای مردم شفاف نیست؟

این سؤال‌ها مزاحمت نیستند. مطالبه‌گری قانونی و مسئولانه، بخشی از حق شهروندی است.

جامعه‌ای که در آن مردم از پرسیدن می‌ترسند، جامعه‌ایمن‌تری نخواهد بود. اتفاقاً یکی از نشانه‌های ایمنی واقعی این است که امکان اعتراض، گزارش خطر و افشای تخلف وجود داشته باشد. اگر کارگری بتواند بدون ترس از اخراج بگوید محل کارش ناامن است، اگر ساکنان یک ساختمان بتوانند درباره خطرهای آن اعتراض کنند، اگر خبرنگار بتواند درباره تخلف یک نهاد سؤال کند و اگر گزارش‌های ایمنی قابل دسترسی باشد، احتمال اینکه یک خطر کوچک تبدیل به فاجعه کمتر می‌شود.

اما ما معمولاً بعد از حادثه حساس می‌شویم. چند روز همه درباره حادثه حرف می‌زنند، مسئولان پیام تسلیت می‌دهند، جلسه تشکیل می‌شود و وعده برخورد داده می‌شود. بعد هم موضوع آرام‌آرام از فضای عمومی خارج می‌شود. این چرخه اگر تغییر نکند، هیچ مراسمی برای روز ایمنی معنای واقعی پیدا نمی‌کند.

ایمنی را باید از مناسبت‌ها بیرون آورد و وارد زندگی روزمره کرد. باید قبول کنیم که ایمنی هزینه دارد. بازرسی واقعی هزینه دارد، مقاوم‌سازی هزینه دارد، آموزش هزینه دارد و حتی تعطیل کردن یک واحد نایمن هم هزینه اقتصادی و اجتماعی دارد. اما نپرداختن این هزینه‌ها به معنی حذف هزینه نیست؛ فقط هزینه را به آینده منتقل می‌کند. و گاهی آینده با جان انسان‌ها حساب می‌شود. از نظر حقوقی هم یک سؤال جدی وجود دارد: مسئولیت چه زمانی آغاز می‌شود؟ آیا فقط بعد از وقوع حادثه باید دنبال مسئول بود یا پیش از وقوع هم می‌توان از دستگاه یا فردی که وظیفه قانونی خود را انجام نداده مطالبه مسئولیت کرد؟ پاسخ دقیق به این پرسش در هر مورد به قوانین و اسناد مربوط بستگی دارد، اما اصل ماجرا روشن است؛ پیشگیری نباید در حقوق و مدیریت عمومی یک شعار فرعی باشد.

روز ایمنی و آتش‌نشانی اگر قرار است معنایی داشته باشد، فقط روز تشکر از آتش‌نشان‌ها نیست. البته باید از کسانی که در لحظه خطر جان خود را برای نجات دیگران به خطر می‌اندازند قدردانی کرد، اما احترام واقعی به آنها این نیست که هر سال از شجاعتشان حرف بزنیم و همان خطرها را دوباره تولید کنیم.

احترام واقعی این است که اجازه ندهیم آتش‌نشان مجبور شود برای نجات انسانی وارد ساختمانی شود که از ابتدا نباید نایمن ساخته یا بهره‌برداری می‌شد. ایمنی قبل از حادثه معنا پیدا می‌کند، نه بعد از آن.

اگر قرار باشد همیشه بعد از فروریختن ساختمان، آتش‌سوزی، انفجار، تصادف یا مرگ یک کارگر تازه دنبال پاسخ بگردیم، چیزی که داریم مدیریت حادثه است، نه مدیریت ایمنی.

جامعه‌ایمن جامعه‌ای نیست که در آن حادثه وجود ندارد؛ جامعه‌ای است که خطر را می‌شناسد، آن را پنهان نمی‌کند، درباره‌اش سؤال می‌کند و برای بی‌توجهی به آن مسئولیت ایجاد می‌کند.

شاید مهم‌ترین مطالبه ما در روز ایمنی همین باشد: نگذاریم جان انسان‌ها آخرین حلقه زنجیره تصمیم‌گیری باشند. قانون باید قبل از حادثه دیده شود، نظارت باید قبل از حادثه عمل کند و مطالبه‌گری هم باید قبل از آنکه کسی قربانی شود آغاز شده باشد.